

گروهی از علماء بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل عبدال موجود و علی معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳/۲۱۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دار المعرفه: الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م. ۷۳۴ق.)، به کوشش ابراهیم رمضان، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۴ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتیر، بیروت، دار الافاق الجدیده؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق؛ معرفة الصحابه: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش العزازی، ریاض، دار السوطن للنشر، ۱۴۱۹ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

محمد حسین الهی زاده



ارکان حج: شماری از مناسک اصلی

حج

واژه ارکان، جمع رکن به معنای تکیه گاه و بخش اساسی هر چیز است.^۳ در فقه نیز به جزء اصلی هر کار رکن گفته

۳. النهایه، ج ۲، ص ۲۶۰؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۸۶، «رکن».

ارقم دو پسر به نام های عبیدالله و عثمان از کنیزش داشت که بیشتر گزارش های مربوط به ارقم از طریق آن دو رسیده است. سه دختر نیز از وی به نام های امیمه و مریم از هند دختر عبدالله بن حارث اسدی و صفیه از کنیزش بر جای ماند.^۱ نسل ارقم از پسرش عثمان ادامه یافت.^۲

◀ منابع

الاحاد و المثانی: الضحاک (م. ۲۸۷ق.)، به کوشش احمد الجوابره، دار الدرایه، ۱۴۱۱ق؛ اخبار مکه: الارزقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، دار الثقافه، ۱۴۰۳ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۲ق.)، به کوشش علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ البدایه و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ق؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ جمهره انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش

۱. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

۲. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳.

می‌شود.^۱ مقصود از ارکان حج در فقه امامی، آن بخش از مناسک حج است که ترک عمدی آن‌ها موجب بطلان حج می‌شود.^۲ ارکان حج که در پاره‌ای منابع «فرض» خوانده شده^۳ در فقه اهل سنت به گونه‌های مختلف تعریف شده است؛ از جمله: واجباتی از مناسک که ماهیت حج وابسته به آن‌ها است؛^۴ واجباتی که تحلل^{*} (بیرون آمدن از احرام) به آن‌ها موکول شده است؛^۵ مناسکی که ترک آن‌ها موجب فساد حج می‌گردد؛^۶ و واجباتی که با کفار جبران‌پذیر نیستند.^۷ گفتنی است که مقصود از رکن در نماز، بخشی از واجبات آن است که ترک عمدی و سهوی آن موجب بطلان نماز می‌شود.^۸ بر پایه فقه امامی، رکن به این مفهوم در باب حج تنها درباره ترک وقوفین (انجام ندادن وقوف در عرفات و مشعر) صدق می‌کند که حتی ترک سهوی آن‌ها نیز موجب بطلان حج است. ولی این مفهوم درباره دیگر ارکان

حج صادق نیست.^۹ بر پایه دیدگاه برخی از اهل سنت، تفاوت رکن در باب حج با رکن نماز آن است که تکرار رکن حج و افزودن بر آن، جز در پاره‌ای موارد، حج را باطل نمی‌سازد.^{۱۰}

◀ شماره ارکان حج و مصادیق آن:

درباره شماره ارکان حج میان فقیهان مذاهب گوناگون اسلامی اختلاف وجود دارد. به باور مشهور فقیهان امامی^{۱۱} ارکان حج پنج تا و به باور مشهور شافعیان^{۱۲} شش تا است. بر پایه نظر مشهور مالکیان^{۱۳} و بسیاری از حنبلیان^{۱۴} ارکان حج چهار مورد و به نظر مشهور حنفیان^{۱۵} دو مورد است. (به ادامه مقاله) تفصیل این دیدگاه‌ها درباره یکایک مناسکی که در منابع فقهی به منزله ارکان حج مطرح شده‌اند، بدین قرار است:

▼ ۱. احرام: به اجماع فقیهان امامی^{۱۶}

۹. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۷۵؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۴۱.

۱۰. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۱۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۷.

۱۱. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۶؛ کشف اللام، ج ۵، ص ۲۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۵.

۱۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۵۸.

۱۳. ارشاد السالک، ج ۱، ص ۴۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۱.

۱۴. شرح منتهی الارادات، ج ۱، ص ۵۹۶؛ دلیل الطالب، ج ۱، ص ۱۰۷.

۱۵. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱۶. غنیة النزوع، ص ۱۵۴؛ جامع الخلاف، ص ۱۷۷.

۱. مصطلحات الفقه، ص ۲۷۴؛ معجم المصطلحات، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۷۵؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۶۵.

۳. التهذیب، ج ۵، ص ۲۸۳؛ حاشیة الصاوی، ج ۲، ص ۱۶.

۴. نهاية المحتاج، ج ۱۰، ص ۴۶۹.

۵. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۹۱-۳۹۲.

۶. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳.

۷. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۲۱.

۸. تذکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۳۰۴؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۲۰۰؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲۳۹.

و مالکی^{۱۳} زمان این وقوف از ظهر روز عرفه آغاز می‌شود. اما حنبلیان آغاز آن را طلوع فجر روز عرفه می‌دانند.^{۱۴} به اتفاق فقیهان اهل سنت، پایان زمان وقوف، طلوع فجر روز عید قربان است.^{۱۵} ولی امامیان پایان آن را غروب روز عرفه دانسته و تنها در صورت اضطرار، طلوع فجر عید قربان را پایان آن شمرده‌اند.^{۱۶} به تصریح فقیهان امامی^{۱۷} و اهل سنت^{۱۸}، تحقق رکن وقوف در عرفات، توقف در همه زمان آن لازم نیست؛ بلکه با لحظه‌ای حضور در عرفات در بخشی از این هنگام یا توقفی کوتاه در آن^{۱۹} رکن تحقق می‌یابد. البته بر پایه فقه مالکی، این رکن تنها با لحظه‌ای توقف در شب عید قربان محقق می‌شود و وقوف در روز عرفه هر چند واجب است، رکن را محقق نمی‌سازد.^{۲۰} مهم‌ترین پشتوانه رکن بودن وقوف در عرفات، حدیثی نبوی است که همه حج را

احرام از ارکان حج به شمار می‌رود.^۱ بیشتر فقیهان شافعی^۲، مالکی^۳ و حنبلی^۴ نیز بر خلاف حنفیان^۵ احرام را از ارکان حج بر شمرده‌اند. پشتوانه فقیهان اهل سنت^۶ حدیث نبوی «الأعمال بالنیات»^۷ است؛ زیرا مقصود از احرام را نیت انجام مناسک دانسته‌اند.^۸

۲. وقوف در عرفات: به اجماع فقیهان، وقوف در عرفات از ارکان حج است، هر چند درباره زمان وقوف اختلاف نظر وجود دارد. به باور فقیهان امامی^۱، شافعی^{۱۱}، حنفی^{۱۲}

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۲۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۶۸.
۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۵؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۴۱.
۳. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰؛ ارشاد السالک، ص ۴۳.
۴. الانصاف، ج ۴، ص ۵۹.
۵. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۹۰؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۴۶۷.
۶. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۵۰۳؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۱۴۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۴.
۷. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۱۳؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۴۱، ۲۱۵.
۸. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰؛ الانصاف، ج ۴، ص ۵۸؛ نهاییة المحتاج، ج ۱۰، ص ۳۴۵.
۹. المجموع، ج ۸، ص ۱۰۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۰۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۸۴.
۱۰. الخلاف، ج ۲، ص ۳۳۷؛ غنیة النزوع، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۸۶.
۱۱. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۲؛ فتح الیزید، ج ۷، ص ۳۶۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۰۱.
۱۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۰۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱۳. منح الجلیل، ج ۲، ص ۲۵۴؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۳۷.
۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۴۳۳؛ دلیل الطالب، ج ۱، ص ۱۰۸؛ منار السبیل، ج ۱، ص ۲۵۷.
۱۵. المغنی، ج ۳، ص ۴۳۳.
۱۶. الکافی، حلبی، ج ۱۹۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۵.
۱۷. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۷۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۲؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۶۱.
۱۸. المجموع، ج ۸، ص ۱۰۳؛ التاج و الاکلیل، ج ۱، ص ۹۱.
۱۹. نک: المجموع، ج ۸، ص ۱۰۳.
۲۰. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۳۷؛ حاشیة الصاوی، ج ۲، ص ۵۴؛ شرح مختصر خلیل، ج ۲، ص ۳۲۱.

وقوف در عرفه خوانده است: «الحج عرفه»^۲. فقیهان امامی در این زمینه به حدیث‌هایی^۳ استناد کرده‌اند که حج را در صورت ترک وقوف در عرفات منتفی دانسته‌اند.^۴

۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه): به

باور همه فقیهان امامی^۵، وقوف در مشعر از ارکان حج است.^۶ از میان صحابیان و فقیهان متقدم نیز کسانی چون ابن عباس، نخعی و شعبی وقوف در مشعر را رکن می‌دانسته‌اند.^۷ از فقیهان اهل سنت، جز اندکی از شافعیان^۸ و ابن ماجشون^۹ از مالکیان، کسی آن را رکن نشمرده است.^{۱۰} برای اثبات رکن بودن وقوف در مشعر، برخی به آیه ۱۹۸ بقره ۲ که حاجیان را پس از بازگشت از عرفات به ذکر الهی در مشعر الحرام فراخوانده، تمسک کرده‌اند.^{۱۱} اما

پشتوانه اصلی فقیهان امامی، افزون بر اجماع، حدیث‌هایی هستند^{۱۲} که ترک این وقوف را به منزله از دست دادن حج قلمداد کرده‌اند.^{۱۳}

۴. طواف: از مناسک حج که همه

فقیهان امامی^{۱۴} و اهل سنت^{۱۵} به اصل رکن بودن آن باور دارند، طواف حج است که با تعبیری چون طواف افاضه^{۱۶}، طواف زیارت^{۱۷} و طواف رکن^{۱۸} از آن یاد می‌شود. بر این اساس، دیگر اقسام طواف واجب مانند طواف تحیت، طواف وداع و طواف نساء رکن نیستند. حتی بر پایه دیدگاهی در فقه امامی^{۱۹} و نیز فقه حنفی^{۲۰} تنها چهار شوط نخست از طواف افاضه، رکن به شمار می‌روند. پشتوانه برخی از فقیهان امامی^{۲۱} و بسیاری از فقیهان

۱. المجموع، ج ۸، ص ۹۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۳۴؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹.
 ۲. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۱۰؛ السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۷۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۳.
 ۳. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۴۶۳.
 ۴. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۸۵؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۲-۳۳.
 ۵. السرائر، ج ۱، ص ۵۸۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۲۰۲.
 ۶. الخلاف، ج ۲، ص ۴۴۲؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۲۸؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۷۷.
 ۷. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۷.
 ۸. نک: الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۷؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۵۲۹.
 ۹. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۲۱؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۲.
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۴۴۱؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۲۳.
 ۱۱. نک: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۱۱؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۸۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۲۰۲.

۱۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵.
 ۱۳. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۴؛ کشف النام، ج ۶، ص ۹۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸۸-۳۸۹.
 ۱۴. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸۹.
 ۱۵. المجموع، ج ۸، ص ۲۲۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۲.
 ۱۶. المجموع، ج ۸، ص ۲۲۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۴۲؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۹۰.
 ۱۷. الکافی، حلبی، ص ۱۹۵؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۲۰؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۰۳.
 ۱۸. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۲۰؛ رسائل الشہید، ص ۲۳۵؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۱.
 ۱۹. براہین الحج، ج ۴، ص ۷۲.
 ۲۰. حاشیة رد المختار، ج ۲، ص ۱۱۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۵۰.
 ۲۱. کتاب الحج، ج ۴، ص ۲۸۸.

▼ ۵. سعی: به باور همه فقیهان امامی^{۱۰} و شافعی^{۱۱} و نظر مشهور مالکیان^{۱۲} سعی میان صفا و مروه از ارکان حج است. حنبلیان درباره رکن بودن آن اختلاف نظر دارند^{۱۳} و حنفیان رکن بودن آن را نپذیرفته‌اند.^{۱۴} پشتوانه فقیهان امامی در این زمینه حدیث‌هایی اند^{۱۵} که ترک عمدی سعی را موجب بطلان حج و لزوم جبران آن شمرده‌اند.^{۱۶} پشتوانه فقیهان اهل سنت برای رکن شمردن سعی^{۱۷}، روایتی از پیامبر ﷺ است که پس از دعوت مردم به ادای سعی، آن را واجبی ثابت معرفی کرده است: «قد كتب عليكم السعي^{۱۸}». دلیل دیگر آنان، حدیثی^{۱۹} است که اتمام حج را در گرو انجام دادن سعی دانسته است.

▼ ۶. دیگر مناسک: برخی دیگر از مناسک در پاره‌ای منابع فقهی یا در سخن

۱۰. تذكرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۲۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۴۲۹؛ براهین الحج، ج ۴، ص ۱۱۲.
۱۱. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۱۵۵؛ المجموع، ج ۸، ص ۷۷.
۱۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۱.
۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الانصاف، ج ۴، ص ۵۸.
۱۴. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۵۰.
۱۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۸۴-۴۸۵.
۱۶. الحدائق، ج ۱۶، ص ۲۷۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ براهین الحج، ج ۴، ص ۱۱۲.
۱۷. المجموع، ج ۸، ص ۶۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۰۴؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۶.
۱۸. مسند احمد، ج ۶، ص ۴۲۱؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۹۸-۹۹.
۱۹. المغنی، ج ۳، ص ۵۰۴؛ شرح منتهی الارادات، ج ۴، ص ۷۵.

اهل سنت^۱ برای رکن بودن طواف، آیه ۲۹ حج/۲۲ است که شماری از اهل سنت بر انطباق آن بر طواف افاضه ادعای اجماع کرده‌اند^۲: ﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾. در برابر، برخی از فقیهان امامی با پذیرش دلالت این آیه بر وجوب طواف، دلالتش را بر رکن بودن آن نپذیرفته^۳ یا به پشتوانه بعضی حدیث‌ها^۴، مقصود از طواف را در آن آیه، طواف نساء دانسته‌اند.^۵ مهم‌ترین پشتوانه رکن بودن طواف از منظر فقیهان امامی، اجماع و حدیث‌هایی هستند که در صورت ترک طواف از روی جهل، اعاده حج را واجب شمرده‌اند.^۶ این حدیث‌ها به مفهوم اولویت بر وجوب اعاده حج در صورت ترک آگاهانه آن دلالت دارند.^۷ شماری از اهل سنت نیز به پشتوانه روایتی از پیامبر ﷺ که خروج حج گزار را تنها پس از ادای طواف افاضه مجاز دانسته^۸، رکن بودن طواف را ثابت کرده‌اند.^۹

۱. المغنی، ج ۳، ص ۵۰۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۲۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۴.
۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۷.
۳. مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۶۲.
۴. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۱۲-۵۱۳؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۵۳.
۵. البرهان، ج ۳، ص ۸۷۶؛ میزان، ج ۱۴، ص ۳۷۱.
۶. الاستبصار، ج ۲، ص ۲۲۸.
۷. مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۶۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۷۱.
۸. السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۶۳؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۱۷۷؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۴.
۹. المجموع، ج ۸، ص ۲۲۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۶۵.

اندکی از فقیهان، از ارکان حج به شمار رفته‌اند؛ از جمله:

«أ. فیت: برخی از فقیهان امامی نیت را از ارکان حج برشمرده‌اند؛^۱ بدین استناد که در هر واجب، خواه رکن و خواه غیر رکن، نیت نقش اصلی و اساسی را دارد. بسیاری از فقیهان این دیدگاه را نپذیرفته‌اند.^۲ به باور برخی از ناقدان، در مواردی که ترک نیت موجب بطلان حج قلمداد شده، در واقع سبب بطلان، انجام ندادن رکنی است که نیت در آن شرط است. به تعبیر دیگر، بطلان حج به استناد از دست رفتن خود رکن است، نه نیت آن.^۳»

«ب. قلبیه: برخی امامیان، به رکن بودن تلبیه باور دارند.^۴ از سخن بعضی دیگر برمی‌آید که ترک عمدی تلبیه، خود، موجب بطلان حج نیست، بلکه از آن رو که به ترک احرام می‌انجامد، موجب بطلان حج می‌گردد.^۵»

«ج. ترتیب: برخی از فقیهان امامی رعایت ترتیب میان افعال رکنی حج را در

شمار ارکان آن برشمرده‌اند.^۶ شماری دیگر، رعایت ترتیب میان طواف و سعی را از ارکان دانسته‌اند.^۷ بسیاری از شافعیان نیز ترتیب میان بیشتر ارکان را رکن حج قلمداد کرده‌اند.^۸ در برابر، دیگر فقیهان شافعی^۹ و نیز فقیهان امامی^{۱۰} و مذاهب دیگر^{۱۱} رکن بودن ترتیب را نپذیرفته‌اند.

پشتوانه شافعیان^{۱۲} بر رکن بودن ترتیب، حدیث مشهور پیامبر ﷺ است که مردم را به فراگیری مناسک از خود فرمان داده است: «خذوا عنی مناسککم»^{۱۳} در نقد رکن بودن ترتیب گفته‌اند: بطلان حج در صورت عدم رعایت ترتیب، به استناد بطلان رکنی است که در جایگاه خود ادا نشده است، نه این که رعایت نکردن ترتیب موجب بطلان حج باشد.^{۱۴}

«د. حلق: بسیاری از شافعیان از رکن

۶. الدروس، ج ۱، ص ۳۲۸؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۱۰؛ کشف الغطاء، ج ۴، ص ۴۷۰.

۷. کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۷.

۸. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۵۸.

۹. المجموع، ج ۸، ص ۲۶۶.

۱۰. مسالک الافهام، ج ۱، ص ۲۵۸؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۲۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۵.

۱۱. نک: بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۴.

۱۲. فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۵۸؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱۳. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۲۵؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳.

۱۴. نک: جواهر الکلام، ج ۸، ص ۱۳۶.

۱. الدروس، ج ۱، ص ۳۲۸؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۴۵۶؛ کشف الغطاء، ج ۴، ص ۴۷۰.

۲. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۶؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۴۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۳۶.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۳۶.

۴. الدروس، ج ۱، ص ۳۲۸؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۴۵۶؛ کشف الغطاء، ج ۴، ص ۴۷۰.

۵. نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۳۶.

کند، تنها در صورت ممکن نبودن یا دشواری بازگشت به مکه، می‌تواند نایب بگیرد؛ ولی اگر غیر رکن را فراموش کند، در هر صورت می‌تواند برای جبران آن نایب بگیرد.^۷

در برخی منابع فقهی، احکامی برای ارکان حج برشمرده‌اند. مثلاً به باور برخی از فقیهان امامی، معیار استقرار حج، ترک آن در حال استطاعت است، به شرط آن که استطاعت تا هنگامی ادامه یابد که انجام دادن ارکان حج در آن زمان امکان دارد.^۸ البته به باور مشهور، استمرار استطاعت تا هنگامی که ادای همه مناسک ممکن باشد، شرط استقرار حج است.^۹ (← استقرار حج). همچنین بر پایه نظر برخی از فقیهان امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱} احکام صدّ و احصار، از جمله تحلیل از احرام، در پاره‌ای موارد، تنها در صورت بازماندن از ادای ارکان حج جاری می‌شود و بازماندن از دیگر مناسک، آن احکام را در پی نخواهد داشت. (← احصار و صد) به باور برخی از شافعیان، کسی که برای حج گزاردن اجیر شده، اگر پس از انجام دادن ارکان حج، بعضی از

دیگری با عنوان حلق یا تقصیر سخن گفته‌اند.^۱ البته شماری از آنان رکن بودن حلق را به نُسک بودن آن وابسته دانسته‌اند.^۲

◀ **۵. رمی جمره عقبه:** بر پایه نظری کمیاب، ابن ماجشون از فقیهان مالکی، رمی جمره عقبه را از ارکان حج به شمار آورده و بر آن است که اگر حج گزار تا پایان ایام منا آن را به جا نیاورد، حجش باطل است.^۳

◀ **احکام خاص ارکان حج:** از مهم‌ترین ویژگی‌های ارکان حج که تفاوت اساسی آن‌ها با واجبات غیر رکنی به شمار می‌رود، آن است که ترک عمدی رکن، موجب بطلان حج است؛ اما ترک دیگر واجبات هر چند عامدانه باشد، حج را باطل نمی‌کند^۴ و بر پایه دیدگاه اهل سنت، با کفاره جبران پذیر است.^۵ البته ترک رکن به سبب جهل به حکم نیز مانند ترک عمدی است.^۶ دیگر تفاوت ارکان با سایر واجبات، به باور برخی از فقیهان امامی، آن است که اگر حج گزار انجام دادن یک رکن را فراموش

۱. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. المجموع، ج ۸، ص ۲۰۵؛ تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۱۴۶.

۳. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۲۱؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۸۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۳.

۴. المذهب البارع، ج ۲، ص ۲۰۶؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۴۵۶.

۵. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۱؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۲۱.

۶. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۰۱؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۷۵؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۷۴.

۷. المذهب البارع، ج ۲، ص ۲۰۶؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۴۵۶.

۸. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۴۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۶۸.

۹. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۲؛ الحدائق، ج ۱۴، ص ۱۵۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۳.

۱۰. غایة المرام، ج ۱، ص ۴۶۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲؛ کتاب

الحج، خوئی، ج ۵، ص ۴۳۶.

۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۴؛ نهایة المحتاج، ج ۱۱، ص ۱۰۶.

مناسک غیر رکن را ترک کند و بمیرد یا از ادامه حج بازماند، لازم نیست مقداری از اجرت را بازگرداند. ولی اگر پس از انجام دادن برخی از ارکان بمیرد یا از ادامه حج بازماند، تنها به فراخور عملی که انجام داده، مالک اجرت می‌شود.^۱ به باور مشهور فقیهان امامی، مستبصر (مسلمانی که به مذهب شیعه امامی می‌گردد) لازم نیست حجی را که بر پایه مذهب خود صحیح انجام داده، اعاده کند، مشروط بر آن که رکن را صحیح به جا آورده باشد.^۲ البته در این که آیا معیار، رکن در مذهب پیشین است یا رکن در مذهب تشیع، اختلاف دیدگاه به چشم می‌خورد.^۳

◀ منابع

ارشاد السالك: عبدالرحمن بن محمد البغدادي (م. ۷۳۲ق.)، مصر، مكتبة مصطفى الباي؛ الاستبصار: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش موسوی، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ش؛ اعانة الطالبين: السيد البكري الدمياطي (م. ۱۳۱۰ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۸ق؛ الاقناع: الشربيني (م. ۹۷۷ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ الانصاف في معرفة الرائج من الخلاف: المرادوي (م. ۸۸۵ق.)، به كوشش محمد حامد، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۳۷۷ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدين الكاساني (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة

۱. المجموع، ج ۱۵، ص ۸۴۵.

۲. الوسيله، ص ۱۵۷؛ تحرير الاحكام، ج ۲، ص ۹۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۱۸.

۳. جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۳۰۴.

الحبيبيه، ۱۴۰۹ق؛ بداية المجتهد: ابن رشد القرطبي (م. ۵۹۵ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ براهين الحج: آقا رضا مدني كاشاني (م. ۱۴۱۳ق.)، كاشان، مدرسه علميه مدني كاشاني، ۱۴۱۱ق؛ البرهان في تفسير القرآن: البحراني (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، البعثه، ۱۴۱۵ق؛ التاج والكليل: محمد بن يوسف العبدري (م. ۸۹۷ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۳۹۸ق؛ تحرير الاحكام الشرعيه: العلامة الحلبي (م. ۷۲۶ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسة الامام الصادق (ع)، ۴۲۰ق؛ تحفة الفقهاء: علاء الدين السمرقندي (م. ۵۳۹/۵۳۵ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ تحفة المحتاج: ابن حجر الهيتمي (م. ۹۷۴ق.)، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۷۵ق؛ تذكرة الفقهاء: العلامة الحلبي (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ تهذيب الاحكام: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش موسوی و آخوندي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ش؛ جامع الخلاف و الوفاق: علي بن محمد القمي السيزوري (م. قرن ۱۰ق.)، به كوشش حسني، قم، زمينه سازان ظهور امام عصر (ع)، ۱۳۷۹ش؛ جامع المقاصد: الكركي (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق؛ جواهر الكلام: النجفي (م. ۱۲۶۶ق.)، به كوشش قوچاني و ديكران، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ حاشية الدسوقي: الدسوقي (م. ۱۲۳۰ق.)، احياء الكتب العربيه؛ حاشية الصاوي على الشرح الصغير: احمد بن محمد الصاوي (م. ۱۲۴۱ق.)، دار المعارف؛ حاشية رد المحتار: ابن عابدين (م. ۱۲۵۲ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ الحاوي الكبير: الماوردي (م. ۴۵۰ق.)، به كوشش علي محمد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ الحدائق الناضرة: يوسف البحراني (م. ۱۱۸۶ق.)، به كوشش آخوندي، قم، نشر اسلامي، ۱۳۶۳ش؛ حواشي الشرواني و العبادي: الشرواني (م. ۱۳۰۱ق.) و العبادي

١٤١٨ق؛ **الكافي في الفقه**: ابوالصلاح الحلبي (م.٤٤٧ق.)، به كوشش استادي، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين عليه السلام، ١٤٠٣ق؛ **الكافي**: الكليني (م.٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **كتاب الحج**: تقرير بحث الكلپايگانی، الصابري، قم، الخيام، ١٤٠٠ق؛ **كتاب الحج**: محاضرات الخوئي (م.١٤١٣ق.)، الخلخالي، قم، مدرسة دار العلم، ١٤١٠ق؛ **كشاف القناع**: منصور البهوتي (م.١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **كشف اللثام**: الفاضل الهندي (م.١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٦ق؛ **كشف الغطاء**: كاشف الغطاء (م.٢٢٧ق.)، اصفهان، مهدي، **لسان العرب**: ابن منظور (م.٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **المبسوط في فقه الاماميه**: الطوسي (م.٤٦٠ق.)، به كوشش بهودي، تهران، المكتبة المرتضويه؛ **المبسوط**: السرخسي (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ **مجمع الفائدة و البرهان**: المحقق الاردبيلي (م.٩٩٣ق.)، به كوشش عراقى و ديگران، قم، نشر اسلامي، ١٤١٦ق؛ **المجموع شرح المذهب**: النووي (م.٦٧٦ق.)، دار الفكر؛ **مدارك الاحكام**: سيد محمد بن علي الموسوي العاملي (م.١٠٠٩ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٠ق؛ **مسالك الافهام الى آيات الاحكام**: فاضل الجواد الكاظمي (م.١٠٦٥ق.)، به كوشش شريفزاده، تهران، مرتضوى، ١٣٦٥ش؛ **مستند الشيعه**: احمد الزاقي (م.١٢٤٥ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٥ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م.٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر؛ **مصطلحات الفقه**: علي مشكيني، قم، الهادي، ١٣٧٩ش؛ **معجم المصطلحات الفقهيه**: جرجس و ديگران، الشركة العالمية للكتاب، ١٩٩٦م؛ **مغنى المحتاج**: محمد الشربيني (م.٩٧٧ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٧٧ق؛ **المغنى**: عبدالله بن قدامه (م.٦٢٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **منار السبيل في شرح**

(م.٩٩٤ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **الخلاص**: الطوسي (م.٤٦٠ق.)، به كوشش سيد علي خراساني و ديگران، قم، نشر اسلامي، ١٤١٨ق؛ **الدروس الشرعيه**: الشهيد الاول (م.٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٢ق؛ **دليل الطالب**: مرعى بن يوسف الكرمي المقدسى (م.١٠٣٣ق.)، رياض، دار الطيبه، ١٤٢٥ق؛ **رسائل الشهيد**: الشهيد الثاني (م.٩٦٥ق.)، قم، بصيرتي، سنكي؛ **الروضة البهيه**: الشهيد الثاني (م.٩٦٥ق.)، به كوشش كلانتر، قم، داوري، ١٤١٠ق؛ **رياض المسائل**: سيد علي الطباطبائي (م.١٢٣١ق.)، قم، النشر الاسلامي، ١٤١٢ق؛ **السرائر**: ابن ادريس (م.٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١١ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه (م.٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ **السنن الكبرى**: البيهقي (م.٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلبي (م.٧٧٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **الشرح الكبير**: عبدالرحمن بن قدامه (م.٨٢ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه؛ **شرح مختصر خليل**: محمد بن عبدالله الخرشى (م.١١٠١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **شرح منتهى الارادات**: منصور البهوتي (م.١٠٥١ق.)، بيروت، عالم الكتب، ١٩٩٦م؛ **صحيح البخارى**: البخارى (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم بشرح النووي**: النووي (م.٦٧٦ق.)، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق؛ **غاية المرام و حجة الخصام**: البحرانى (م.١١٠٧ق.)، به كوشش عاشور؛ **غنية النزوع**: الحلبي (م.٥٨٥ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٧ق؛ **فتح البارى**: ابن حجر العسقلاني (م.٨٥٢ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد الرافعي (م.٦٢٣ق.)، دار الفكر؛ **فتح الوهاب**: زكريا بن محمد الانصارى (م.٩٣٦ق.)، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **الفقه الاسلامي و ادلته**: وهبة الزحيلي، دمشق، دار الفكر،

الدلیل: ابراهیم بن محمد بن ضویان (م. ۳۵۳ق)، به کوشش الشاوش، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۹ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق)، چاپ سنگی؛ منح الجلیل: محمد علّیش (م. ۲۹۹ق)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ المذهب البارع: ابن فهد الحلّی (م. ۸۴۱ق)، به کوشش العراقی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ق)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نهیة المحتاج: محمد بن ابی العباس الشافعی (م. ۱۰۰۴ق)، دار الکتب العلمیه؛ النهایه: ابن اثیر مبارک بن محمد الجزری (م. ۶۰۶ق)، به کوشش الزاوی و الطنّاحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق)، به کوشش ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ الوسیلة الی نیل الفضیله: ابن حمزه (م. ۵۶۰ق)، به کوشش الحسون، قم، مکتبۃ النجفی، ۱۴۰۸ق.

حمیدرضا خراسانی



ارکان عمره: شماری از مناسک اصلی عمره

واژه ارکان جمع رکن است که به پایه و بخش اصلی یا زوایای هر چیز مانند ساختمان گفته می‌شود که سبب پایداری آن است.^۱ در فقه، رکن به معنای بخش اساسی هر عبادت،

۱. معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۴۳۰؛ العین، ج ۱، ص ۳۵۴؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۱۲۶، «رکن».

عقد یا ایقاع است.^۲ به باور فقیهان امامی^۳ و برخی از فقیهان اهل سنت^۴ مقصود از ارکان عمره، بخش‌هایی از مناسک آن است که ترک عمدی آن‌ها موجب بطلان یا فساد عمره می‌گردد. (برای تفاوت مفهوم رکن در نماز و رکن در حج و عمره ← ارکان حج) به تعبیر برخی از فقیهان، ارکان عمره بخش‌هایی از آنند که تحقق ماهیت عمره وابسته به ادای آن‌ها است.^۵

گاه از واجبات غیر رکنی در عمره و حج، با تعابیری چون واجب^۶، فرض^۷، فعل^۸ و شرط^۹ یاد شده است؛ از جمله تفاوت‌های ارکان عمره با غیر ارکان. به تعبیر دیگر، از ویژگی‌های ارکان عمره به باور فقیهان امامی، آن است که با ترک رکن به سبب فراموشی یا اشتباه، جبران آن بر شخص عمره‌گزار واجب می‌شود و تنها در صورت دشواری این کار یا

۲. معجم لعة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۲۶؛ مصطلحات الفقه، ص ۲۷۴؛

العناوین الفقهیه، ج ۱، ص ۴۰۶.

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۴؛ المذهب البارع، ج ۲، ص ۲۰۶.

۴. الحدائق، ج ۱۶، ص ۱۵۷؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۷.

۵. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۱؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۶۵؛ الشرح

الکبیر، ج ۳، ص ۵۰۶.

۶. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۳؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۲۱.

۷. نک: المجموع، ج ۸، ص ۳۶۵؛ الاقناع، ج ۱، ص ۳۳۵؛ کشف

القناع، ج ۲، ص ۶۰۵.

۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۸۳؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۵۳؛

مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۶.

۹. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۶.

مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۱-۱۲؛ کشف اللتام، ج ۵، ص ۱۹.